



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی



شماره: ۱۰۹

عنوان: «خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ»

نویسنده: فرهاد گلستان

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۱/۱۱

توجه: دیدگاه درج شده دیدگاه ارسالی توسط یکی از کاربران است و لزوماً دیدگاه این دفتر محسوب نمی شود.

بِإِذْنِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِإِذْنِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



«خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ»^۱

پاپ فرانسیس - رهبر کلیساهای کاتولیک جهان - در آخرین کتاب خود^۲ به دفاع از مسلمانان اویغور چین پرداخته و آنان را «ستم کشیده» خوانده است. پیش از او نیز نزدیک به چهل کشور عمدتاً غیر مسلمان (از جمله آمریکا، ژاپن، کانادا، استرالیا و کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا) علیه رفتار دولت چین در زندانی کردن و آزار دادن بیش از یک میلیون مسلمانان اویغور موضع گرفتند. این در حالی است که بزرگ‌ترین کشورهای مدّعی مسلمانی در دنیا (مانند عربستان و ایران) نه تنها کوچک‌ترین کلامی در زبان و رفتاری در عمل نشان ندادند، بلکه در کنار بیش از بیست کشور دیگر مسلمان، از چین کمونیست علیه مسلمانان کشورش حمایت کردند و برخی‌شان علیه اویغورها با چین همکاری اطلاعاتی و سیاسی کردند!

۱ . الحجّ / ۱۱

۲ . Let Us Dream: The Path to a Better Future. by : POPE FRANCIS .

اما حکومت ایران که موجودیّت خود را مدیون شعار «دفاع از مستضعفان» است، نه تنها هیچ اقدام لسانی و عملی در محکوم کردن دولت پکن به خاطر این ظلم آشکار به مسلمانان بی‌دفاع نکرد، بلکه محکوم کردن رفتار چین توسط آمریکا را رسماً محکوم کرد و به جامعه‌ی جهانی هشدار داد تا نسبت به رفتار آمریکا در محکوم کردن چین و دخالت در امور داخلی این کشور واکنش نشان دهد!^۱

حکومت ایران که خودش را نماینده‌ی مظلومان جهان می‌داند^۲، کم‌ترین کلامی علیه رفتار کفار چینی با مسلمانان اویغور نگفته است؛ به طوری که سکوت او دستمایه‌ی تمسخر وزیر امور خارجه‌ی آمریکا گردید^۳ و از رهبر ایران خواست که برخورد وحشتناک چین با مسلمانان این کشور را محکوم کند^۴. آری، حکومت ایران نمی‌تواند کلمه‌ای علیه چین بگوید؛ چرا که این کشور دوست، بزرگ‌ترین خریدار نفت اوست و در صورت آزدن او، فروش نفت مختل شده، بودجه‌ی نهادهای امنیتی و اطلاعاتی تأمین نخواهد شد و اقتدار و عزّت پوشالی حکومت (که در سایه‌ی ارباب و سرکوب مردم معترض و ایجاد خفقان در کشور حاصل شده است) از بین خواهد رفت. آیا این چیزی جز ذلّت و حقارت برای یک حکومت است؟ این وعده‌ی محتوم خدا به کسانی‌ست که به امر او عمل نکرده و از نهی او اجتناب نکرده‌اند، به طوری که به بخشی از قرآن ایمان آورده و به بخشی دیگر ایمان نیاورده‌اند، زمانی که فرمود: **﴿أَتُؤْمِنُونَ بَعْضَ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ**

۱. مجلس نمایندگان آمریکا در تاریخ ۳ سپتامبر ۲۰۱۹ پیش‌نویس قانون تحریم مقامات چینی مرتبط با موضوع اویغورها را تصویب کرد و سخنگوی وزارت خارجه‌ی ایران سه روز بعد، اقدام آمریکا را در دخالت در امور داخلی چین محکوم کرد! ← پایگاه وزارت خارجه‌ی ایران، ۱۳۹۸/۰۹/۱۵.

۲. «هر جا مظلومی نیازمند یاری باشد، جمهوری اسلامی در آن جا حاضر خواهد بود»؛ بیانات رهبر ایران، ۱۳۹۷/۰۱/۲۵.

۳. مایک پمپئو در تاریخ ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۸ (۱۳۹۷/۰۶/۲۳) در تویییتی با هشتک فارسی «رژیم_ریاکار» نوشت: «خامنه‌ای خود را رهبر جهان اسلام تصوّر می‌کند و در حالی که چین -از خریداران بزرگ نفت ایران- صدها هزار شهروند مسلمان خود را بازداشت و زندانی کرده است، رژیم او سکوت کامل اختیار کرده است».

۴. «اگر به دنبال کسانی هستید که به اسلام خیانت می‌کنند، چین به دنبال نابودی اویغورهاست. منتظر فراخوان عمومی شما برای مقابله با برخورد وحشتناک حزب کمونیستی چین با آن مسلمانان هستیم»؛ مایک پمپئو، تویییت مورخ ۲ سپتامبر ۲۰۲۰ (۱۳۹۹/۰۶/۱۲) در پاسخ به تویییت رهبر ایران.

الْعَذَابِ ۖ وَمَا لِلَّهِ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ؛^۱ «آیا به بخشی از کتاب ایمان می‌آوردید و به بخشی دیگر کافر می‌شوید؟! سزای کسی از شما که چنین کاری می‌کند چیست جز خواری در زندگی دنیا و این که در روز قیامت به اشد مجازات بازگردانده شوند و خداوند از آن چه می‌کنید بی‌خبر نیست». این آیه وضع فعلی حکومت ایران را به روشنی بیان می‌کند. آنان که قرآن را بخش‌بخش کردند^۲، به برخی از آن عمل کردند و به برخی دیگر عمل نکردند و گرفتار چنین ذلت و خفتی شدند؛ و البته عذاب سخت‌تر در قیامت در انتظارشان است.

آن چه حاکمان ایران باید از عمل به قرآن بدانند، عمل به کل قرآن است، مانند این که از دوستی با کفار و ملحدین حذر کنند؛ چرا که خدا از دوستی با کفار حذر داده و فرموده است: **﴿بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۖ الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۗ أَبِيتُوا عَنْهُمْ الْعِرَّةَ﴾**؛^۳ «بشارت بده به منافقان که برایشان عذابی دردناک است. همانانی که به جای مؤمنین، کافران را دوستان خود گرفتند؛ آیا عزت را نزد آنان می‌خواهند؟» و از دوستی با دشمنان خدا و مؤمنین نهی کرده و فرموده است: **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ﴾**؛^۴ «ای کسانی ایمان آوردید دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید» و کفار را دشمن معرفی کرده و فرموده است: **﴿فَلَنَذِقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَشْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ۖ ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ ۖ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ﴾**؛^۵ «پس به یقین به کسانی که کافر شدند عذابی شدید می‌چشانیم و به یقین آنان را بر پایه‌ی بدترین کارهایی که انجام می‌دادند کیفر می‌دهیم. آن کیفر دشمنان خداست که آتش است. در آن همیشه باقی خواهند ماند؛ کیفری بابت انکار آیات ما»؛ همچنین از دوستی با یهود و

۱. البقرة / ۸۵

۲. **﴿كَمَا أُنْزِلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ ۖ الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ ۖ فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ۖ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾** (حجر، ۹۰ تا ۹۲)؛ «همچنانکه بر جداکنندگان نازل کردیم؛ همانان که قرآن را بخش‌بخش می‌کنند؛ پس به پروردگارت سوگند که از همه‌ی آنان بازخواست می‌کنیم؛ درباره‌ی کاری که انجام می‌دادند».

۳. النساء / ۱۳۸ و ۱۳۹

۴. الممتحنة / ۱

۵. فصلت / ۲۷ و ۲۸

نصارا نهی کرده و فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ﴾^۱؛ «ای کسانی که ایمان آوردید از یهود و نصارا دوست نگیرید» و تصوّر باطلشان در دوستی با کافران را ردّ کرده و به روشنی فرموده است: ﴿إِنْ يَتَّقُوا اللَّهَ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ﴾^۲؛ «اگر بر شما دست یابند، دشمنی می کنند و به آزارتان دست و زبان می گشایند و دوست دارند که شما نیز کافر گردید». آری، مسلمانانی که با دشمنان خدا طرح دوستی ریخته اند و با دوستان خدا طرح دشمنی، منافقانی اند که در پایین ترین طبقه ی جهنّم قرار دارند، همان طور که خدا وعده داده و فرموده است: ﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا﴾^۳؛ «هرآینه منافقان در پایین ترین طبقه ی آتش اند و هرگز برایشان یآوری نمی یابی». نتیجه ی محتوم عمل کردن گزینشی به قرآن همان چیزی ست که این حکومت را به خذلان در دنیا و عذاب در آخرت گرفتار کرده و آن را در بن بست و وضعیّت بغرنجی قرار داده که با ارتکاب به جنایت و کشتار معترضان و ظلم کردن و پایمال کردن حقوق محرومان و قدرت دادن به فاسدان و عدم حمایت از مستضعفان، در مسیر مخالف با آرمان های اولیه ی خود در حرکت است و این چیزی نیست جز پیامد قهری رفتارش در مواجهه ی با قرآن.

حکومت ایران که با شعارهای آزادی و استقلال و خودمتناقض جمهوری اسلامی شکل گرفت، عملکردش در تناقض کامل با شعارها و اهداف اولیه ی خود قرار دارد؛ به طوری که از شعار آزادی، به سرکوب کمترین اعتراضات و برنتافتن کوچک ترین مخالفت ها رسید، تا جایی که پستوی خانه ها را می کاود تا مخالفانش را دستگیر و نابود کند؛ و از شعار استقلال به حمایت از ملحدان چینی رسیده است و هر گونه خفتی را به ناچار تحمّل می کند و نامش را نرمش و رفتار حسنی می گذارد؛ در حالی که نه هیچ گونه سنخیتی با خلیفه ی منصوب خدا دارد و نه رفتارش کمترین شباهتی به رفتار امام حسن. «خداوند لعنت کند مسببان این وضع را که شوم ترین

۱. المائدة / ۵۱

۲. الممتحنة / ۲

۳. النساء / ۱۴۵

حاکمان در تاریخ اسلام بعد از بنی امیه بوده‌اند»^۱.

وجود امنیّت، بزرگ‌ترین ادّعای این حکومت است؛ آن هم نه برای مردم، بلکه برای خود؛ زیرا مهمّ‌ترین چیزی که برای این حکومت وجود دارد، حفظ و بقای خودش است؛ امّا نصیبشان از امنیّت هم چیزی جز حقارت و زبونی نبوده است، به طوری که دشمنانش هر کس از آنان (از بزرگ‌ترین فرماندهان تا مخفی‌ترین افرادشان در خارج و داخل خاک) را که اراده کند می‌گشود و هر کس از آنان را که اراده کند مهلت می‌دهد و آن‌ها نه می‌دانند از کجا خورده‌اند و نه می‌توانند انتقام بگیرند؛ جز آنکه انتقام را از شهروندان خودشان می‌گیرند و این حقارتی‌ست روی حقارت^۲.

اگر روزی شنیدید که اسرائیل در اطراف تهران شهرک‌سازی کرده است، تعجّب نکنید؛ چراکه در این حکومت هیچ خفّتی بعید نیست. «هیچ‌گاه در طول تاریخ، این همه تناقض در یک حکومت جمع نشده است»^۳.

شد غلامی به جوی کآب آورد آب جوی آمد و غلام بی‌رد!

حاکمان ایران با چه توجیهی با کفّار - بلکه با بدتر از کفّار^۴ - طرح دوستی و رابطه می‌ریزند و قراردادهای طولانی‌مدت با آنان می‌بندند؟ آیا توجیهی جز این دارند که برای بقای خود و رفع نیازهایشان و پرهیز از انزوا و برای عزّت اسلام (!) به این ارتباطات نیاز دارند؟ چه کسی به این از خدایی خبران اجازه داده است تا در برابر

۱. پرسش و پاسخ ۶۴

۲. انسان نمی‌داند به پدیده‌های کمیک-تراژیک منحصر به فرد این نظام بخندد یا گریه کند که پس از رجزخوانی‌های بسیار، انتقام سختش را با اسقاط هواپیمای مسافربری خود می‌گیرد و بی آنکه از شرم این جنایت بمیرد، معترضان به چنین جنایت هولناکی را به حبس‌های طولانی‌مدت محکوم می‌کند! این اتفاقات تصادفی نیست، بل همان ذلّتی‌ست که خدا برای آنان وعده داده و آن را در معادلات این چنینی محقّق کرده است.

۳. مقاله‌ی «از سرکوب مسلمانان اوغور توسط حکومت چین تا قرارداد همکاری ۲۵ ساله با حکومت ایران» از دکتر ذاکر معروف.

۴. چراکه دولت‌ها و ملت‌های غربی، اهل کتاب‌اند، ولی دولت و ملت چین، ملحد و بی‌دین است، به طوری که بالاترین نرخ الحاد و بی‌دینی در دنیا، مربوط به چینیان است. ← گزارش روزنامه‌ی Independent (مورخ ۲۳ مارس ۲۰۱۶) از نتیجه‌ی مطالعات مؤسسه‌ی Win/Gallup.

ملحدان و بی‌دینان این‌گونه ذلیلانه زانو بزنند؟ آیا خدا به رفع این نیازها واقف نبوده که دوستی با کفار و ملحدین را ممنوع کرده است؟ اشکال کار در کجاست که نمی‌توانند عزت‌مندانه زندگی کنند؟ راه چاره چیست که هم نیاز برطرف شود و هم به حکم قرآن عمل شود؟

تنها چاره‌ی ممکن، اجرای کامل و خالص اسلام و قرآن است و آن جز با حاکمیت خداوند محقق نمی‌شود؛ چراکه حکومت مطلقاً متعلق به اوست؛ همچنانکه فرموده: **﴿إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ﴾**^۱؛ «حکمرانی جز برای خداوند نیست» و او حکومتش را به خلفای برگزیده‌ی خود واگذار کرده و فرموده: **﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾**^۲؛ «همانا من در زمین خلیفه‌ای را قرار دهنده‌ام» و به کس دیگری واگذار نکرده و هر کس خود را بدون انتصابی از جانب خدا، صاحب ولایت بر مردم بداند، طاغوتی‌ست که به جای خدا پرستش می‌شود و مردمی که آنان را به جای خلفای خدا اطاعت می‌کنند، آلوده به شرک‌اند، اگرچه بر آن‌ها پوشیده باشد و خود به آن ملتفت نباشند؛ همچنانکه خدا فرمود: **﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾**^۳؛ «عالمان و راهبان‌شان را خداوندگاران جز خداوند گرفتند». خلیفه‌ی برگزیده‌ی خدا مهدی‌ست که از ترس حاکمان روی زمین در خوف و خفا زندگی می‌کند و این تنها دلیل غیبت اوست و دلیلی جز این برای غیبتش نیست. آیا حکومت ایران نباید با خود بیندیشد که چرا مهدی حاضر نیست ظاهر شود و ادامه‌ی حکمرانی را در این کشور اسلامی به دست گیرد و یا -صرف نظر از حکمرانی- مانند یک فرد عادی در جامعه زندگی کند و مردم را راهنمایی و هدایت کند؟ برای این پرسش، پاسخی جز این وجود ندارد که مهدی به محض ظهور، با تمام حاکمیت‌های روی زمین (از جمله حکومت ایران) به مخالفت برخواند خاست و به دست همین حاکمیت‌ها کشته خواهد شد.^۴

۱. الأنعام / ۵۷

۲. البقرة / ۳۰

۳. التوبة / ۳۱

۴. همان‌طور که مؤسس حکومت ایران، مهدی را در صورت مخالفتش با ولایت فقیه به قتل تهدید کرد و گفت: «حفظ جمهوری اسلامی از حفظ یک نفر -ولو امام عصر باشد- اهمیّتش بیشتر است» (صحیفه‌ی امام، جلد ۱۵، صفحه‌ی ۳۶۴). کسی نباید خود را بفریبید و از این سخن تعجب کند، زیرا حقیقتی‌ست که خدا از آن آگاه است؛ همچنانکه کسانی شهادت امام رضا علیه السلام به دست مأمون را باور نداشتند.

باری؛ چاره‌ی کار، فقط مهدی‌ست و تنها راه نجات فقط مهدی و رجوع به او و واگذاری حکومت به اوست؛ چراکه مهدی از هر کس دیگری به حکومت‌داری عالم‌تر است، بلکه تنها عالم به حکومت‌داری اوست و دیگران نیستند.

توبه به سوی خدا و واگذاری قدرت به مهدی، تنها راه ممکن برای حکومت ایران است تا از خذلان در دنیا و عذاب در عقبا نجات یابد و این کاری ضروری و حیاتی است که چگونگی آن در پایگاه اطلاع‌رسانی علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی به تفصیل تبیین شده است.^۱ حکومت ایران باید به سرگذشت دیکتاتورهای گذشته و سرنوشت آنان نظر کند و بداند که آن‌ها نیز هر یک خود را بر مبنای اعتقادات باطلشان حق می‌دانستند و حکومت خود را مشروع تلقی می‌کردند؛ همچنانکه این نظام نیز حکومت باطل خود را حق می‌داند و مشروع تلقی می‌کند و اگر تا پیش از این عذری برای او به جهت عدم علم به بطلان اعتقاداتش بود، اکنون آموزه‌های حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی راه را بر چنین معاذیری بسته است. این سخن حقی برای حاکمان ایران است، اگر گوشی برای شنیدن و عقلی برای تعقل برایشان مانده باشد و بدترین جنبندگان نزد خدا، کران و گنگ‌هایی‌اند که تعقل نمی‌کنند؛ همان‌طور که فرموده: **﴿إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ﴾**^۲؛ «همانا بدترین جنبندگان نزد خداوند کرها و گنگ‌هایی‌اند که عقل را به کار نمی‌بندند».

دیدگاه‌های دیگر از این نویسنده:

۱. مقاله‌ی «آموزش دعوت به زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام به صورت گام به گام»
۲. مقاله‌ی «حکومت دینی یا سکولار؟»
۳. مقاله‌ی «ساختار و شیوه‌ی حکومت خلیفه‌ی خدا در زمین»



۱. به عنوان نمونه، بنگرید به: پرسش و پاسخ ۱۱ و ۱۶۰.

۲. الأنفال / ۲۲

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.